

قرائت درى

سويہ ۽ سوم

(۳)

مکتب افغان اکادمی

مؤلف : شفيق سلطان (صديقي)

جوزا ۱۳۷۹

Waleed

001School.us



100

100

فهرست عناوین

- درس اول : الله (ج) ص ۱
تمرین ص ۲
درس دوم : حضرت محمد ﷺ ص ۳
تمرین ص ۴
درس سوم : مکتب ص ۵
تمرین ص ۶
درس چهارم : کتاب نو ص ۷
تمرین ص ۸
درس پنجم : دوا ص ۹
تمرین ص ۱۰
درس ششم : من ص ۱۱
تمرین ص ۱۲

الف

- آب ص ۱۳ : درس هفتم :
- تمرین ص ۱۴
- بهار ص ۱۵ : درس هشتم :
- تمرین ص ۱۶
- احمد و ناجیه ص ۱۷ : درس نهم :
- تمرین ص ۱۸
- باران ص ۱۹ : درس دهم :
- تمرین ص ۲۰
- حبیب ص ۲۱ : درس یازدهم :
- تمرین ص ۲۲
- مهمان ص ۲۳ : درس دوازدهم :
- تمرین ص ۲۴
- عقل ص ۲۵ : درس سیزدهم :
- تمرین ص ۲۶
- کار ص ۲۷ : درس چهاردهم :
- تمرین ص ۲۸
- مهربان ص ۲۹ : درس پانزدهم :
- تمرین ص ۳۰

قرآن کریم ص ۳۱	درس شانزدهم :
تمرین ص ۳۲	
افغانستان ص ۳۳	درس هفدهم :
تمرین ص ۳۳	
معلم ص ۳۵	درس هژدهم :
تمرین ص ۳۶	
مکه ء معظمه ص ۳۷	درس نوزدهم :
تمرین ص ۳۸	
چهار فصل ص ۳۹	درس بیستم :
تمرین ص ۳۰	
شاگرد خوب ص ۳۱	درس بیست و یکم :
تمرین ص ۳۲	
ثواب ص ۳۳	درس بیست و دوم :
تمرین ص ۳۳	

قرائت درى سويه ء سوم

شفيق سلطان (صديقى)

اول

٤٨ صفحه

شفيق سلطان (صديقى)

جوزا ١٣٧٩

نام كتاب :

مؤلف :

چاپ :

تعداد صفحات و مندرجات :

تايپ و تدوين:

تاريخ طبع:

درس اول (۱)

الله (ج)

الله (ج) ما را پیدا کرده است . الله (ج)

تمام دنیا را پیدا کرده است . الله (ج) به ما

دست داده است . الله (ج) به ما چشم داده

است . الله (ج) به ما زبان داده است . الله

(ج) بسیار مهربان است . ما مسلمان هستیم . ما

کار های را می کنیم که خداوند (ج) از ما

خوش باشد .

سه سه بار نوشته کنید :

اللّٰه (ج)

پیدا

تمام

دنیا

زبان

چشم

کار

جمله بسازید :

دست

مهربان

چشم

مسلمان

درس دوم (۲)

حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

حضرت محمد(ص) پیغمبر ما است . حضرت محمد(ص) آخرین پیغمبر است . حضرت محمد(ص) از طفلی بسیار هوشیار بودند . با هر کس به خوبی رفتار می کردند . با همه کس مهربان بودند و هیچ وقت کار زشت نمی کردند . هیچ وقت دروغ نمی گفتند . کار های که حضرت محمد(ص) کرده اند ما هم آن کار ها را می کنیم تا مسلمان خوب باشیم .

سه سه بار نوشته کنید :

هوشیار

رفتار

کار

طفلی

بسیار

زشت

پیغمبر

جمله بسازید :

هوشیار

خوبی

زشت

دروغ

درس سوم (۳)

مکتب

من امروز بسیار خوش هستم . من امروز
مکتب میروم تا هر چیز را یاد بگیرم . من در
درس های خود کوشش می کنم تا به صنف
بلند بروم . من در صنف شوخی نمی کنم و
درس های خود را خوب یاد می گیرم . معلم
صاحب از من بسیار خوش است . معلم
صاحب گفت مکتب جای درس خواندن است .
هر کس کوشش کند به صنف بلند می رود و هر
وقت خوش می باشد .

سه سه بار نوشته کنید :

من من من

امروز امروز

خوش

مکتب

یاد

درس

کوشش

جمله بسازید :

صنف

مکتب

شوخی

بسیار

درس چهارم (۴)

کتاب نو

امروز مکتب رفتم . معلم صاحب به من کتاب نو داد . کتاب خود را خوب نگاه می کنم و به درس های خود کوشش می کنم تا کامیاب شوم . دلم برای اسد بسیار غصه می کند . اسد به درس های خود کوشش نه می کرد و شوخی می کرد به صنف دوم ناکام ماند . معلم صاحب برایش کتاب صنف سوم را نه داد . اسد دیروز گریه می کرد . معلم صاحب برایش گفت تو در صنف دوم درس نه خواندی ناکام شدی این بار کوشش کن کامیاب می شوی .

سه سه بار نوشته کنید:

رفتم

نو

نگاه

کامیاب

ناکام

امروز

دیروز

جمله بسازید:

مکتب

غصه

کوشش

کامیاب

درس پنجم (۵)

دوا

دندان من درد داشت . داکتر دوا داد . من
جور شدم . داکتر به من گفت : باید چیز های
سخت را با دندان نشکنانم و شیرینی خوردن زیاد
برای دندان ضرر دارد و دندان ها را خراب می کند .
باید هر وقت بعد از نان خوردن دندان های خود را
برس یا مسواک کنیم تا دندان های سالم داشته باشیم
و دهن ما بوی بد ندهد .

سه سه بار نوشته کنید :

دندان

خوردم

شدم

خراب

برس

سخت

جمله بسازید :

خوردم

داکتر

دندان

من

بد

درس ششم (۶)

من

من شاگرد خوب هستم . من هر روز وقت

می خیزم . اول دست ها ، دندان ها و روی

خود را می شویم و کلمه میخوانم . هر کس را

در خانه سلام میدهم . باز کتاب می خوانم .

در صنف شوخی نه می کنم . با هر کس

کمک می کنم . مرا هر کس دوست دارد .

سه سه بار نوشته کنید :

وقت

روز

کلمه

کتاب

دست

روی

دوست

جمله بسازید :

کمک

شوخی

دوست

کتاب

درس هفتم (۷)

آب

من آب نوشیدم و شکر گفتم . من هر روز چند بار آب می نوشم . آب برای بدن فایده دارد . در تابستان بدن به آب زیاد ضرورت دارد . نوشیدن آب بسیار یخ در زمستان برای بدن ضرر دارد . آب دادن ثواب دارد . هر وقت پیش از اینکه من آب بنوشم ، گیللاس آب را اول به مُخرد ها بعد به کلان ها پیش می کنم تا بنوشند بعد از آن ها من می نوشم .

سه سه بار نوشته کنید :

من

فایده

شکر

بدن

ثواب

خُرد

کلان

جمله بسازید :

یخ

فایده

یکبار بنویسید :

من آب نوشیدم و شکر گفتم .

درس هشتم (۸)

بهار

نوروز روز اول بهار است . در بهار درخت ها ،
سبزه ها ، بته ها سبز میشود . هوا در این وقت سال
بسیار خوب است . درخت ها شگوفه می کنند .
پروانه ها می آیند . پرنده ها در درخت ها آشیانه
جور می کنند . دهقانان به شوق در زمین های خود
کار می کنند . تو هم که شاگرد خوب هستی مثل
دیگران بسیار کار کن ، بسیار بخوان ، بسیار
بنویس .

سه سه بار نوشته کنید :

بهار

سبز

درخت

پروانه

کار

کشت

هوا

سال

پیدا

جمله بسازید :

بهار

شگوفه

نوروز

درس نهم (۹)

احمد و ناجیه

احمد بچه ء خوب است . هر روز وقت از خواب بیدار می شود . وضو می کند و نماز می خواند . يك روز او خواب بود . خواهرش ناجیه او را بیدار کرد که نماز بخواند . احمد از خواهرش خوش شد که او را بیدار کرد . خواهرش ناجیه هم وقت از خواب بیدار می شود و نماز می خواند . خواهر و برادر هر دو به همه سلام میدهند و با پدر و مادر خود در کار ها کمک می کنند . هر کس آن ها را دوست دارد .

سه سه بار نوشته کنید :

نماز

وقت

بیدار

خواب

برادر

خواهر

سلام

جمله بسازید :

مادر

پدر

نماز

بچه

درس دهم (۱۰)

باران

ابر ها آهسته آهسته در آسمان پیدا شد . ابر ها
آسمان را پوشاند . باران دانه دانه می بارید . حبیب
در نزدیک کلکین خانه نشسته بود و به طرف باران
می دید . یادش آمد که مادرش برایش گفته بود باران
بسیار فایده دارد . باران درخت ها ، سبزه ها ، گل
ها ، حیوان و انسان را آب میدهد . باران رحمت
خداوند است .

سه سه بار نوشته کنید :

باران

فایده

آسمان

ابر

آهسته

نشسته

انسان

حیوان

جمله بسازید :

ابرها

سبزه ها

گل ها

درس یازدهم (۱۱)

حییب

نام من حییب است . من حمام می روم .
آب حمام گرم است . در حمام دست ها ، دهن
و روی خود را می شویم و باز با شامپو و صابون سر
و جان خود را می شویم . در وقت شستن هر عضو
بدن خود کلمه میخوانم تا بدن من پاک شود ، باز با
بدن پاک نماز و قرآن شریف میخوانم تا خداوند (ج)
از من خوش باشد .

سه سه بار نوشته کنید :

بدن

من

دست

دهن

روی

کلمه

پاک

جمله بسازید :

حمام

است

نام

نماز

درس دوازدهم (۱۲)

مهمان

دیروز چاشت خانهء زلمی مهمان آمده بود . خواهرش عایشه برای زلمی گفت که دستر خوان را تیار کند . عایشه برای مهمان نان آورد . مادر و پدر شان بسیار خوش شدند که زلمی و عایشه دستر خوان را تیار کردند . وقتی که نان خوردن خلاص شد ، همه دعا کردند . مهمان از زلمی و عایشه بسیار خوش شد که دستر خوان را جمع کردند و همراهی پدر و مادر شان کمک کردند .

سه سه بار نوشته کنید :

همه

مهمان

چاشت

تیار

نان

خوردند

دعا

جمله بسازید :

خانه

دسترخوان

زلمی

عایشه

درس سیزدهم (۱۳)

عقل

خداوند(ج) به ما عقل داده است که هر چیز را یاد بگیریم . در هر کار که می کنیم فکر کنیم . با عقل خود ما می توانیم که کار خوب و کار بد را فرق کنیم . اگر عقل نه باشد خوب و بد را فرق کرده نه می توانیم . ما با عقل خود خدا را می شناسیم . ما با عقل خود پیغمبر را می شناسیم . ما باید از خداوند(ج) خوش باشیم که به ما عقل داده است .

سه سه بار نوشته کنید :

عقل

فکر

خدا

فرق

بد

می شناسیم

جمله بسازید :

هر چیز

خداوند (ج)

پیغمبر

باید

عقل

درس چهاردهم (۱۴)

کار

حبیب هر روز همراهی پدر خود کار می کرد .
دیروز حبیب و پدرش بازار رفتند و يك بته
گل خریدند . حبیب بته ء گل را در حویلی
شانند و هر روز آب می داد . بته ء گل کلان
شد و گل های زیاد کرد . پدرش به حبیب
گفت : آفرین به تو بچه ء خوب که هر روز
کار کردی تا گل هایت گل کرد . حبیب از
کار خود خوش بود .

اکثرین

سه سه بار نوشته کنید :

✓ کار - کار - کار - کار

✓ بازار - بازار - بازار - بازار

✓ بته - بته - بته - بته

✓ گل - گل - گل - گل

✓ حویلی - حویلی - حویلی - حویلی

✓ زیاد - ~~زیاد~~ زیاد - زیاد - زیاد

جمله بسازید :

✓ خود - من خودم کار می کنم.

✓ هر روز - من هر روز نماز می خوانم ^{بازی}

حویلی من در حویلی خرد باغی می کانم.

بازار خانه ما نزدیک بازار است.

بته بته پیاز را خوش طعم دارم.

درس پانزدهم (۱۵)

مهربان

احمد بر طفل های مُخرد بسیار مهربان است .
يك روز احمد كه با برادر مُخرد خود در
حويلي بازی می کرد ، دید طفل مُخرد همسایه
نزديك سرك رفته است . احمد دویده دویده
رفت و طفل مُخرد همسایه را از نزديك سرك
به خانه آورد . مادر طفل مُخرد از این کار
احمد بسیار خوش شد و از او تشکر کرد .
احمد را همه همسایه ها دوست دارند .

کتاب

سه سه بار نوشته کنید :

مهربان - مهر بان - مهر بان - مهر بان

✓ طفل - طفل - طفل - طفل

✓ خرد - خرد - خرد - خرد

✓ بازی - بازی - بازی - بازی

✓ همسایه - همسایه - همسایه - همسایه

نزدیک - نزدیک - نزدیک - نزدیک

جمله بسازید :

✓ تشکر من تشکر می کنام .

هر وقت هر وقت من پرواز می کنام .

همسایه - همسایه ما افدکای .

✓ طفل - من طفل دارم .

مهربان - الله (ج) مهربان است .

درس شانزدهم (۱۶)

قرآن کریم

قرآن کریم از طرف خداوند (ج) برای انسان ها آمده است . ما اول وضو می گیریم تا بدن ما پاک گردد و با دست های پاک قرآن کریم را گرفته می خوانیم تا هر چیز را یاد بگیریم . قرآن کریم در ماه رمضان آمده است . خواندن قرآن کریم ثواب دارد . مسلمان ها به قرآن کریم ایمان دارند . ما در خانه خود قرآن کریم داریم . من در مکتب قرآن کریم را یاد می گیرم .

سه سه بار نوشته کنید :

انسان - انسان - انسان - انسان

ثواب - ثواب - ثواب - ثواب

ایمان - ایمان - ایمان - ایمان

آمده - آمده - آمده - آمده

ماه - ماه - ماه - ماه

خانه - خانه - خانه - خانه

رمضان - رمضان - رمضان - رمضان

جمله بسازید :

قرآن کریم -

می خوانیم -

ثواب -

ایمان -

درس هفدهم (۱۷)

افغانستان

افغانستان مملکت ما است . هر کس که از
افغانستان است افغان است . ما همه افغان هستیم .
مردم افغانستان مردم خوب هستند . مردم ما
مسلمان هستند . افغان ها مهربان هستند . افغان
ها با هم دیگر کمک می کنند . کابل پایتخت
افغانستان است . افغانستان بسیار زیبا است .
من خوش هستم که من از افغانستان هستم .

سه سه بار نوشته کنید :

مردم

افغان

کابل

افغانستان

زیا

مملکت

جمله بسازید :

مردم

کمک

مملکت

افغانستان

افغان

درس هژدهم (۱۸)

معلم

معلم برای ما هر چیز را یاد میدهد . من هر وقت از معلم خود یاد می گیرم . مادر و پدر معلم اول ما است . همان طوری که هر چیز را از مادر و پدر خود یاد می گیریم ، از معلم خود هم هر چیز را یاد می گیریم . معلم به ما ادب را یاد میدهد . معلم به ما گپ زدن خوب را یاد میدهد . من همیشه احترام معلم را دارم . معلم مثل پدر و مادر ما است .

سه سه بار نوشته کنید :

معلم

ادب

همیشه

مثل

احترام

اول

یاد

جمله بسازید :

هر چیز

هر وقت

معلم

ادب

درس نژدهم (۱۹)

مکه ء معظمه

مکه ء معظمه يك شهر است . اين شهر در
عربستان است . حضرت محمد (ص) در مکه ء
معظمه پيدا شده اند . مسلمان ها برای حج به
مکه ء معظمه می روند . کعبه ء شريف در
مکه ء معظمه است . مسلمان ها که نماز
می خوانند روی خود را به طرف کعبه ء
شريف می کنند . کعبه ء شريف قبله ء مسلمان
ها است . مسلمان ها کعبه ء شريف را بسيار
دوست دارند .

سه سه بار نوشته کنید:

شهر

پیدا

قبله

طرف

حج

کعبه

شریف

جمله بسازید :

حج

قبله

شهر

روی

درس بیستم (۲۰)

چهار فصل

يك سال چهار فصل دارد ، بهار ، تابستان ، خزان ، زمستان . فرید در هر فصل کار می کند . در فصل بهار که هوا خوب می شود و درخت ها سبز می شود در حویلی کار می کند . در فصل تابستان که هوا گرم است ، آب بازی می کند . در فصل خزان که برگ ها زرد می شود با پدر خود برگ های زرد را از حویلی جاروب می کند . در فصل زمستان که هوا یخ می شود و برف می بارد فرید با رفیق های خود برف بازی میکند . فرید در هر فصل بسیار درس می خواند و بسیار کار می کند .

سه سه بار نوشته کنید :

فصل

بهار

تابستان

خزان

زمستان

گرم

یخ

جمله بسازید :

برگ

سبز

بهار

هوا

رفتن

پوآب

توانست

مریضی

گی

: جمله بسازید :

چند

نزد

خبر

مریضی

جمله

پوآب

: سه سه بار نوشته کنید :

. کار شد خوشتر بیمارستان حامله کار
 به دیدن مریضی ثواب دارد . مادر حامله از این
 رفتن رفت : مادرش گفت : برای
 ها را این است . من این است که مریض
 خانم خانم دیدن به دیدن خانم : گفت :
 و گرفته بود مادرش رفت و
 چند است ، چند خانم خانم خانم خانم
 . توانست و کار شد و حامله مریض
 خانم خانم خانم خانم خانم خانم

ثواب

(۲۲) دوم و بیست و نهم درس

درس بیست و یکم (۲۱)

شاگرد خوب

زلمی يك شاگرد خوب است . در خانه و مكتب هر کس از او خوش است . در صنف با هر کس به خوبی حرف می زند . دیروز پنسل به کارش بود ، قلم بالای میز شریف بود ، شریف بیرون رفته بود ، تا شریف نیامد قلم را نه گرفت . وقتی که شریف آمد به شریف گفت : شریف جان اجازه میدهید که قلم شما را گرفته کتابچه ء خود را خط کشی کنم ؟ شریف گفت : بلی ، بعد قلم را برداشت خط کشی را که تمام کرد قلم را پس داد و تشکر کرد .

سه سه بار نوشته کنید :

شاگرد

حرف

بیرون

اجازه

رفته

گفت

پنسل

جمله بسازید :

اجازه

حرف

میز

قلم

Handwritten text at the top of the page, possibly a title or header.

Second line of handwritten text.

Third line of handwritten text.

Fourth line of handwritten text.

Fifth line of handwritten text.

Vertical handwritten text on the right margin, possibly a page number or date.

Vertical handwritten text on the right margin, possibly a page number or date.

چو شمع از پی علم باید گداخت

که بی علم نتوان خدا را شناخت

توانا بود هر که دانا بود

زدانش دل پیر برنا بود

حق چاپ محفوظ است